

سخنرانی شب‌های قدر موضوع: واکسن گناه، تقوا

آیت الله علی رضایی تهرانی

شب ۲۳ رمضان المبارک ۱۴۴۴ مقارن با ۱۴۰۲/۰۱/۲۴ هجری شمسی

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَتَبِيجَةُ الْعَالَمِ
هادي السُّبُلِ وَمُنْجَى الْبَشَرِ، سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا، حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ، إِبَاهِ الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٌ (ص) وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ الْمُعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَلَعْنُ الدَّائِرِ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنْ أَلَانِ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ:
«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ».

شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، شب قدر، ان شاء الله در امشب زیر نگاه کریمانه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) بهترین‌ها برای ما مقدر باشد، به برکت صلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (صلی الله علیه و آله).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

با این صلوات معلوم نیست چه برای شما مقدر می‌شود. برای این که بهترین‌ها برایتان مقدر شود، صلوات محمدی بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

یکی از اعمال امشب هم همین کار است، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «تا آن جایی که صدای مصلی می‌رود، شیطان از او دور می‌شود».

شیطان را بیشتر از خودتان دور کنید، صلوات حیدری بفرستید.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

دو، سه تا نکته قبل از دستور عرض کنم بعد هم وارد بحث بشویم. فردا روز قدس است، شرکت در راهپیمایی قدس واجب سیاسی است. در قرآن کریم شرکت در راهپیمایی روز قدس آیه دارد.

سوره توبه، «وَلَا يَطْئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّئِهِ لَّا يَخَافُونَ»، یعنی راه رفتن، قدم گذاشتن. فرمود: «اگر انسان مسلمان قدم بگذارد، راه برود، تظاهرات کند و این قدم گذاشتن‌ها دشمن را خشمگین می‌کند، خدای متعال به هر گامی که می‌گذارد برای این انسان مومن ثوابی می‌نویسد. تظاهرات بر علیه دشمن خونین قرآن و دین ریشه قرآنی در سوره توبه دارد که آیه‌اش را خواندم، ان شاء الله همه با هم پرشور شرکت می‌کنیم. مستحضریده اغتشاشات را به یک نوع تظاهرات ۲۲ بهمن جمع کرد و این ملت فهیم فهیم فهیم ایران نشان داد که به جا و به موقع کاری که باید بکند، می‌کند. مقام معظم رهبری به ما مژده دادند که گویا رژیم صهیونیستی نه ۲۵ سال یا ۲۰ سال، زودتر قصد رفتن کرده‌است، خودشان دارند می‌روند. راهپیمایی امسال، راهپیمایی خاصی است، همه باید شرکت کنند، امیدواریم روز قدس سال آینده را در قدس مبارک باشیم، باز هم به برکت صلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (صلی الله علیه و آله).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

نکته دوم این که ما در دو شب قدر و همچنین سال گذشته نوع قرآن به سر گرفتنمان این چنین است، قبل از او عزاداری‌ها، روضه‌ها، گریه‌ها خوانده می‌شود، بعد از آن هم سینه‌زنی‌ها، روضه‌ها، گریه‌ها خوانده می‌شود، موقع قرآن به سر (گرفتن)، طبق روایت قرآن به سر می‌گیریم. حدیث و روایت می‌گوید که این جوری شروع کن،

این جوری تمام کن. این که وسط هر امامی بخوایم باز روضه بخوانیم، وسط هر معصومی بخوایم باز سینه بزیم، باز شعر بخوانیم، این (مسئله) مستند به حدیث و روایت نیست.

روایت می گوید: «از اول شروع کن، بگو یا الله، این دو تا دعا را بخوان، بعد هم بگو یا الله، تا بِالْحُجَّةِ برو. وسطش حرف اضافه نباید باشد».

قبلش و بعدش داریم عزاداریمان را می کنیم، اشکمان را می ریزیم. سنت مراجع تقلید این است، سنت علمای حوزه این است و این سنت، سنت صحیحی است که باید اجرا بشود. نکته دیگر که نکته قابل توجهی است، این که برای این که اطلاعاتتان بیشتر بشود، ما امشب پنج نوع عمل داریم، یاد بگیرید بد نیست.

چند نوع عمل داریم آقا؟

پنج نوع (عمل داریم).

نمی رسیم، می خواهیم بگوییم چه دین غنی ای داریم، چه دین پرملاتی داریم.

۱. اعمالی که هر شب انجام می شود. از اول تکلیف تا وقتی می خواهیم در سرازیری قبر برویم، مثلاً نماز شب، نماز شب عمل هر شب است، اختصاص به امشب ندارد.

۲. اعمالی که هر شب جمعه انجام می شود. امشب شب جمعه است، جمعه، هم شب آن و هم روزش عید است. اعیاد اسلامی سه تا نیست، چهار، پنج تا است، یکی اش جمعه است، یکی اش فطر است، یکی اش قربان است، جمعه عید است. شب جمعه اعمالی دارد مثل دعای کمیل، امشب، شب جمعه هم هست.

۳. سوم، اعمال هر شب ماه رمضان، هر شب ماه رمضان اعمالی دارد. مثلاً دعای ابوحمزه ثمالی، این مال هر شب است. دعای افتتاح، این مال هر شب است، اختصاص به امشب ندارد.

۴. چهارم، اعمالی که مال شب های قدر است، مثل نماز هفت قل هو الله که خیلی نماز معتبری است، حتماً کسانی که نخواندند، بخوانند. دو رکعت نماز، بعد از حمد، هفت تا قل هو الله، بعد از نماز می نشینیم هفتاد مرتبه «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، (می گوییم)، رَبِّی هم ندارد. گفت: «بالای منبر آقا گفت بعد از نماز هفتاد بار بگو «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، رَبِّی ندارد».

پیرزن می گفت هفتاد بار «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، رَبِّی ندارد، «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»، نه، این جوری نگوئید، رَبِّی ندارد.

خب، این هم چهارم (که بیان شد).

۵. پنجم، اعمالی که مخصوص شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان است. مثلاً هزار بار سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» خواندن.

حضرت استاد، حسن زاده آملی در کتابشان نوشتند، اهل دل می دانند که اگر کسی در شب بیست و سوم ماه رمضان غسل داشته باشد، با طهارت باشد، با توجه باشد و هزار بار سوره مبارکه قدر را بخواند، اهل دل تجربه کردند، حقیقت لیل القدر بر او متجلی می شود و من یادم است، استاد ما، مرحوم علامه طهرانی، به بعضی از شاگردانشان، در بعضی از مراحل سلوکی، دستور می دادند این هزار بار (سوره قدر در شب بیست و سوم را بخوانند). حالا، در عمرتان یک بار تجربه کنید لااقل، یک شب بیست و سوم ماه رمضان نرسیدی ابوحمزه بخوانی به جایی بر نمی خورد، این هزار بار «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» در شب «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» که شب بیست و سوم است، ظاهراً خصوصیت دارد.

این پنج نوع عمل را هر کس فهمید و ان شاء الله عمل می کند، صلوات محمدی ختم کند.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

داشتیم این سوال را جواب می دادیم تقوا آسان است یا مشکل است؟

پرهیزکاری آسان است یا مشکل است؟

عرض کردیم از دیدگاه ما بسیار آسان است، داشتیم می گفتیم چرا آسان است. حدود چهل مطلب و شاهد که

دینداری کار مشکلی نیست، با این سیستمی که خدا و پیغمبر (صلی الله علیه و آله) چیدند، در اختیار ما گذاشتند، خیلی کار سختی نیست. خب، به مناسبت امشب، دوتا از عوامل آسان بودن تقوا را عرض می‌کنیم.

۱. یک، تکرار شدن ماه رمضان، هر سال. این چه نعمتی است خدا به ما داده است. ماه رمضان، یعنی خدای متعال سفره انداخته است، چه سفره‌ای؟
امام سجاد (علیه السلام) در صحیفه سجادیه وقتی وارد ماه رمضان می‌خواهیم شویم، می‌گوید سلام، یک دعا دارد، دعای ورود. وقتی از ماه رمضان داریم بیرون می‌رویم، می‌گوید خدا حافظ، یک دعا داریم دعای وداع. در این دعای سلام امام سجاد (علیه السلام) یک جمله‌ای دارد، انسان تعجب می‌کند، می‌گوید که این ماه رمضان، این استعداد را دارد، می‌دانستید، به علمتان اضافه شود. می‌گوید: «این ماه رمضان این استعداد را دارد که من در این ماه به گونه‌ای عمل کنم که از تمام ملائکه مقرب خدا حتی جبرائیل به خدا نزدیک‌تر شوم».

من این جمله را نمی‌گویم، بگویی آخوند از کجا درآوردی.
صحیفه سجادیه دعای ورود ماه رمضان، من عبارتش را بخوانم، طلاب، فضلا در مجلس هستند.
«حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ»، نکره در سیاق نفی، مفید عموم است، «لَا يُورِدُ أَحَدٌ حَتَّى لَا يُورِدَ عَلَيْكَ أَحَدٌ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، إِلَّا دُونَ مَا نُورِدُ مِنْ أَبْوَابِ الطَّاعَةِ لَكَ، وَأَنْوَاعِ الْقُرْبَةِ إِلَيْكَ».

خدایا توفیق بده من در ماه رمضان به گونه‌ای عمل کنم که آن‌جور برای تو طاعت و عبادت بالا بفرستم که جبرائیل نتواند، میکائیل نتواند، اسرافیل نتواند، عزرائیل نتواند، تمام ملائکه مقرب نتوانند. من نمی‌توانم، من این گوشه می‌نشینم، شب‌ها رصد می‌کنم، این جزع و زار و اشک و گریه‌ای که شما برای سیدالشهداء (علیه السلام) می‌ریزید، روایت می‌گوید این مغبوط ملائکه است چون فرشته گریه ندارد، فرشته اشک ندارد. خیال می‌کنی با دستمال پاک می‌کنی، روایت می‌گوید: «فرشته می‌آید این‌ها را به عنوان هدیه به آسمان‌ها می‌برد». این‌ها دور ریخته نمی‌شود.
این استعداد ماه رمضان است، دینداری کار سختی شد؟
بخوانم خدا با ما در این ماه چه کار کرده است. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود که ماه، ماه برکت (است).
«قَدْ أَقْبَلَ إِلَيْكُمْ شَهْرُ اللَّهِ بِالْبَرَكَةِ»، برکت یعنی چه؟
یعنی با یک عمل کوچک، اثر فراوان (داشته باشد).

۲. ماه، ماه رحمت، «هُوَ شَهْرٌ أَوَّلُهُ رَحْمَةٌ».

۳. بابا ما از اول ماه رمضان تا آخر ماه رمضان چند خروار، چند هزار، چند میلیون نفس می‌کشیم؟
فرمود: «أَنْفَاسُكُمْ فِيهِ تَسْبِيح».
این نفس کشیدن‌هایتان را خدا می‌نویسد «سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ».

۴. این را خیلی به آن عمل نکنید ولی واقعیت همین است. فرمود: «تَوَمُّكُمْ فِيهِ عِبَادَةٌ».
می‌خواهی، خروپف، دارم برای عبادت می‌نویسم. در ماه شوال این طور نیست، در ماه رجب هم این طور نیست. خدا است، مهمانی داده است، مهمانی خدا هم مثل خود خدا است، به دیگران ربطی ندارد. می‌گوید: «من می‌خواهم نفس را تسبیح حساب کنم، من می‌خواهم خواب را عبادت حساب کنم».

۵. پنجم، «يُحِبُّهُمْ إِذَا نَاجَوْهُ وَيُكَلِّمُهُمْ إِذَا نَادَوْهُ».
در ماه‌های دیگر خدا را صدا می‌کنی، ممکن است خدا از تو خوشش نیاید، جوابت را ندهد یا بدهد، با تاخیر جواب بدهد. «يُكَلِّمُهُمْ إِذَا نَادَوْهُ، يُكَلِّمُهُمْ»، یعنی چه؟
ببینید در عرب یک موقع مثلاً بابا، بچه‌اش را صدا می‌کند، جواب داده نمی‌شود. یا صدا می‌کند بچه بعد از

چند دقیقه می گوید چیه؟
حالا چون می داند بابا چه کارش دارد، از زیرش می خواهد در برود، لای بکشد، درست؟
یک موقع پدر بچه اش را صدا می کند، پسر می گوید: «بله، بله، بله در خدمتتم پدرجان، کجا؟». بله، بله، در خدمتتم، به این لبیک می گوئیم.

چرا در مسجد شجره می گوئیم «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ؟».

یعنی اَللّٰهُ لَكَ الْبَابَيْنِ به قول طلبه ها، آمد، آمد.

فرود در این ماه تو یک یا الله بگو، یک «يَا الله» بگو، خدا تلبیه می کند، آماده است، سفره پهن کرده است.

۶. فرمود: «دَعَاؤُكُمْ فِيهِ مُسْتَجَابٌ».

در این ضیافت زمانی دعای شما مستجاب است.

۷. فرمود: «وَعَمَلُكُمْ فِيهِ مَقْبُولٌ».

از بدبختی های انسان این است، کار می کنیم، نمی دانیم پذیرفته شد، پذیرفته نشد. خدا خوش آمد، امضاء شد یا نشد.

فرمود که یکی از مهمانی دادن های من این است. من در ماه رمضان عمل شما را قبول می کنم.

حالا، تقوا کار مشکل شد؟

این طور سفره پهن کرده است، بعد فرمود: «کارتان را علاوه بر این که کیفیتش را قبول می کنم، کمیتش را هم بالا می برم. یک آیه برابر با ختم قرآن است. دو رکعت نماز مستحبی، برائت از دوزخ و جهنم است. نماز واجب هفتاد برابر در غیر ماه رمضان است. یک افطاری بده، نصف خرما، ثواب یک بنده آزاد کردن و از آتش دوزخ نجات پیدا کردن».

دین از این سهل تر، مهربانانه تر، رحیمانه تر می شود؟

برایت گفتم، امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «وای به حال آن انسانی که روز قیامت یکانش بر دهگانش بچربد».

هر کار خیری کرده است، ده تا نوشتند، هر کار بد را یکی نوشتند. این یک دانه هایش بخواد بر آن ده تا، ده تاهایش جلو بزند. چه قدر باید انسان بدبخت باشد.

فرمود: «در این ماه، خدا درهای بهشت را باز کرده است، درهای جهنم را بسته است، شیطان ها را هم به غل و زنجیر کشیده است».

خب، ببینید چه داریم می گوئیم؟

داریم عواملی را، الطافی را از خدا بیان می کنیم که امیدوار بشویم که ان شاء الله راه خدا را می شود رفت.

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ».

کسی به تو درست لبیک بگوید، مسیر طولانی نیست. مرحوم آقای شیخ محمد بهاری هفت ساله رفته است، هفت سال. مرحوم آقای میرزا جواد آقای ملکی تبریزی چهارده ساله رفته است. مرحوم ملا حسینقلی همدانی ۲۱ ساله رفته است. بالاخره مسیر همین قدر است، یعنی انسان کامل شده است، یعنی پای بر فرق فرقدان گذاشته است، مسیر طولانی نیست.

گفت: «یک قدم بر خویشتن نه، قدم دیگر را بر محضر پرودگار بگذار».

خب، شب، شب قدر است. از عواملی که دینداری را آسان کرده است، تقوا را راحت کرده است، این است که خدا در طول سال، یک شب را به عنوان شب قدر قرار داده است. اصلاً کارهایش به آدمیزاد نرفته است. گفت که نشسته بود، دید یک عالمی دارد این جوری حرف می زند:

ای بی پدر و مادر متکبر خودخواه، از این حرف ها، تمام شد.

گفت: «آقا به که فحش می دادی؟».

(عالم) گفت: «فحش نمی دادم، می خواستم دعا کنم، داشتن صفات الهی را می گفتم». درست هم دارد می گوید، ای بی پدر و مادر، درست است. متکبر، تکبر فرمود که فقط مال خدا است، درست است، یعنی حرف بدی نزده است.

چه (چیزی از او) به آدمیزاد رفته است؟

یک شب را در سال قرار داده است که به احتمال ۹۹/۹ درصد امشب است، گفته است آقا این یک شب برابر هزار

ماه (است). نه، بد ترجمه می کنند، می گویند برابر هزار ماه است.

سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» چه بود؟، با هم بخوانیم.

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ، لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، خَيْرٌ»
خَيْرٌ نه مساو، نه مُعَادِل.

می گوید که یک شب قدر برابر با هزار ماه نیست، برتر و بهتر از هزار ماه است. هزار ماه یعنی ۸۳ سال، ۸۳ سال یعنی یک عمر طبیعی. حالا بالاتر از ۸۳ سال، صد سال، نود سال می شود. یک شب در حسینه بیا، بنشین، علم گوش بده، علم دین (را گوش بده)، جوشن بخوان، ذکر بگو، اشک بریز، روضه بشنو، تمام شد، ۸۳ سال نه، نود سال پای تو عبادت نوشتم. حالا، از اول تکلیف، چهارده، پانزده سالگی تا ۸۵ سالگی، هر شب بیست و سوم تو این کار را کردی، تو جهنم می روی؟

راه خدا سخت شد؟

تقوا سخت شد؟

یک ذره حواست باشد. آمد پیش پیغمبر (صلی الله علیه و آله) گفت: «یا رسول الله، راهم به مدینه دور است، یک بار بیشتر در سال نمی توانم بیایم. لطف کن بگو کی بیایم که بهترین وقت باشد».

گفت: «بله».

(پیغمبر) فرمود: «شب بیست و سوم ماه رمضان».

اسم این آقا جهنی است، این شب لیلۃ الجهنی شده است، شب جهنی.

استاد ما می فرمود که خیلی شب بیست و سوم حواستان جمع باشد، چرا؟

چون در هر حال روحی به سر ببری، تا سال آینده آن حال می ماند. شب، شب تقدیر است. ما الان این جا نشستیم، نمی دانیم، حجت ابن الحسن المهدی (عجل اله تعالی فرجه)، ارواحنا لله الفداء کجاست. عراق است، عربستان است، ایران است، یمن است، لبنان است، اصلاً در بیابانها است، در دریاها است، در صحراها است، سر یک کوه است، نمی دانیم. ولی هر کجا هست الان کره خاکی عالمی است، کاش چشم داشتیم، می دیدیم، کاش چشم داشتیم، می دیدیم.

«تَنْزَلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ»، فرشتگان الهی با آداب، تشریفات، با همراهی روح، روح از جنس فرشتگان نیست، از همه فرشتگان برتر است و مدیر و مدبر فرشتگان است، حقیقتش را هم اهل بیت (علیهم السلام) برای ما نگفتند. فقط گفتند از صنف فرشتگان نیست، بسیار بالاتر از فرشتگان است. او دارد مدیریت می کند، فرشتگان الهی آمدند، دفترها را آوردند، قلمها را آوردند حالا شیخ علی رضایی، حالا حسن آقا، حالا فاطمه خانم، این تا سال دیگر زنده است یا مرده است، سالم است یا مریض است، جراحی می شود یا نمی شود، ایمانش می ماند یا نمی ماند، دخترش را عروس می کند یا نه، پسرش را داماد می کند یا نه. ازدواج نکرده است، زن گیرش می آید یا نه. آن زن دردرسش می شود، بلای جاننش می شود یا رفیق و همراهش می شود. از این بگیرد تا این که کجا زلزله می آید، کجا سیل می آید، کجا پیروزی است، کجا شکست است. او کراین چه خبر می شود، سوریه چه خبر می شود. یمن، صلح ایران و عربستان به کجا می انجامد. اینها که زمینی هایش است، در آسمانها چه خبر می شود، فرشتگان برایشان چه رقم می خورد. تمام آن چه که تا یک سال می خواهد انجام بشود، زیر نظر حجت ابن الحسن مهدی (عجل الله تعالی فرجه) قرار می گیرد. آقای من و شما باید امضا کند. امشب باید خیلی با اخلاص ده مرتبه بگویی «إِلَهِی بِالْحُجَّةِ، بِالْحُجَّةِ، بِالْحُجَّةِ».

اعتقاد ما این است، این عقیده ما است. شب، شب قدر است، برترین شب است. فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) حسنین (علیهم السلام) را کنار دستشان می گذاشتند، قرآن، دعا، مناجات (می خواندند). ظهر، این بچه ها را می خواباند، افطار به آنها کم غذا می داد. من معتقدم هیچ کس شب قدر نباید افطاری بدهد یا اگر افطاری می دهد، نان و پنیر و سبزی و السلام، آن هم کم (باشد). نمی ارزد شب قدر بنشینی دو پرس غذا بخوری بعد آمدی بک یا الله بگویی، بک یا مُلا می گویی، قاطی می شود، چشمها دارد روی هم می رود، نمی ارزد.

معمولاً من شب قدر هیچ جا افطاری قول نمی دهم مگر در رودربایستی گیر کنم. به طرف هم می گویم، می گویم آقا بدت نیاید، اگر کم خوردم بدت نیاید. یک امشب می باشد، فاطمه (سلام الله علیها) به فرزندانش غذا کم می داد،

جلوی خودش ظرف آب می گذاشت، این حسن و حسین (علیهم السلام) نزدیک صبح خسته می شدند، می خواستند چرت بزنند، بی بی دو عالم آب با دستش برمی داشت، در صورت این ها می ریخت. فرمودند: «کسی امشب یک لحظه نباید خواب باشد». در سایر شب های احیاء، احیاء یعنی بیدار خوابی، می شود مقداری خوابید، در شب بیست و سوم یک لحظه اش اگر انسان خواب باشد، ممکن است ضرر کند. گفت که چه؟ گفت یک لحظه شما غافل از آن شاه، بگو، نباشید، بلدید؟

یک لحظه شما غافل از آن شاه نباشید شاید که نگاهی کند آگاه نباشید

حواس ها امشب باید جمع (باشد). امشب شب با گوشی ور رفتن نیست. آن قدر اعمال دارد و آن قدر توجه لازم است که اگر انسان غفلت بکند، ضرر می کند. شب، شب قدر است. خب، من یک بحثی آماده کرده بودم، به همه اش نمی رسم. در پنج، شش دقیقه اصولش را عرض کنم، نفس من را یاری کنید به صلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (صلی الله علیه و آله).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

تقوا را پرهیزکاری در حرکت معنا کردیم، پرهیز از چه؟

از چیزی که خدا خوشش نمی آید. یک رفیق داری، یک بار، دو بار، سه بار، پنج بار، شش بار، ده بار کاری می کند که تو بدت می آید. یک بار تذکر می دهی، دو بار تذکر می دهی، سه بار تذکر می دهی، یک بار قهر می کنی، باز آشتی می کنی، باز قهر (می کنی)، بعد هم می گویی آقا برو خسته مان کردی دیگر. تقوا یعنی من کاری که خدا خوشش نمی آید نکنم، این معنی تقوا بود. تقوا پرهیز در حرکت (است)، نه پرهیز در سکون، بروم یک گوشه در یک غاری بنشینم، لب کوهی، بگویم بنده پاک هستم.

این پاکی ارزش ندارد. در متن جامعه، در حین انجام وظیفه، چشم باید درست کار کند، گوش باید درست کار کند، دست باید درست کار کند. شیطان هم که فعال است، اخیراً یک جاسوس انگلستان را ما اعدام کردیم.

چند ماه جبهه داشت؟

هفتاد ماه (جبهه داشت). آن وقت این نامرد بود که شهید فخری زاده را لو داده بود و شهید شد. شیطان می گوید هفتاد ماه تو جبهه داری اما من کارم را بلدم.

خب، پس اگر بخواهیم فنی حرف بزنیم، تقوا یعنی گناه نکردن، برای این که من گناه نکنم، قدم اول این است گناه را بشناسم، مگر من گناه را نمی شناسم؟

بچه مسلمانم، پای منبرها بزرگ شدیم، نخیر، خیلی از گناهان را نمی شناسیم.

یک، به تعبیر حضرت آیت الله بهجت خیلی از گناهان، گناه علمی است، همه گناهان که عملی نیست، گناه اعتقادی است. خودش را برای امام حسین (علیه السلام) می کشد، قمه هم می زند. هر چه می گویی بابا ولی فقیه، نائب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) گفته است این کار را نکن، این مایه وهن شیعه است، این مایه وهن اهل بیت (علیهم السلام) است، گوش نمی کند، این گناه نمی شناسد. این نمی داند حرف ولی فقیه گوش نکردن، آن هم با این صراحت، حرام است. سال هاست دارد با تفکر جبر زندگی می کند، انگار اشعری است، حرام علمی دارد، حرام اعتقادی دارد. سال هاست بی تقلید دارد زندگی می کند، نماز می خواند، روزه می گیرد، می گوئیم مقلد که هستی؟

می گوید: «مقلد یعنی چه؟». می گوئیم آقا تو چشمت مشکل پیدا کند، متخصص می خواهد، دینت متخصص نمی خواهد؟

حضرت آیت الله بهجت می فرمایند این ها گناهان علمی است. گناه علمی به مراتب از گناه عملی بدتر است، چرا؟ به خاطر این که زاویه دید را تغییر می دهد. خانمی است، پنجاه سال است دارد فکر می کند چون زن شده است، خدا به او ظلم کرده است. دیدید، زن ها تا دعوایشان با شوهرها می شود، می گویند ما زن ها را که خدا زده (است) دیگر، پنجاه سال است دارد گناه می کند، به خلقت خدا اعتراض دارد، این یک بخش (که بیان شد).

بخش دوم، ما گناه نمی شناسیم، بعضی چیزها عرفی شده است، گناه تلقی نمی شود. خلف وعده های کوچک، می گوید ساعت هشت می آیم، هشت و ده دقیقه می رود، ده دقیقه است دارد حرام انجام می دهد. استاد باید یک ساعت و بیست دقیقه تدریس کند، بیست دقیقه تدریس می کند، یک ساعت جوک می گوید، یک ساعت دارد وقت دانش آموز را تلف می کند. مردم آزاری های عرفی شده، راحت جلوی در خانه مردم پارک می کند، می رود. خب، بدبخت می آید، کار دارد، زندگی دارد، نمی تواند. وارد بلوک می شود، ساعت دو نصف شب، بوق هم می زند، خب دارد گناه می کند، دارد خطا می کند. به اسم طب سستی می آید، (در) یک کار فوق تخصصی دخالت می کند، صدها

نفر را بدبخت می‌کند، بلد نیست، درسش را نخوانده‌است، ابن‌سینا که نیست، زکریای رازی که نیست، خب دارد خیانت می‌کند. من طلبه مجتهد نیستم، نظر اجتهادی می‌دهم، مجتهدم، مرجع تقلید نیستم، فتوا می‌دهم. مرجع تقلید هستم، اعلم نیستم یا مشکوک‌الاعلمیه هستم، ادعای اعلیت می‌کنم. فرق نمی‌کند، گناه‌شناسی. هدیه‌ای به شما بدهم، وارد ذکر مصیبت بشویم. ببینید عزیزان، شب قدر است و می‌خواهیم با خدا عهد ببندیم، یک سالمان را می‌خواهیم ان شاء الله با این شب قدرمان تامین کنیم و بیمه کنیم.

ما در ارتباط با گناه، مراحل طی کنیم، این است، بینم هر کدام شما چه همتی دارید تا کجا. من از نظر دین مراحل را که گناه باید ترک شود، انجام نشود را می‌گویم، شما در هر مرحله‌ای هستی، خودت را بسنج و بر اساس او خودت را تنظیم کن.

به روح مولی‌الموالی، اَسَدُ اللَّهِ الْغَالِبِ، علی ابن ابیطالب (علیه‌السلام) هدیه کنید صلوات بر محمد (صلی الله علیه و آله) و آل محمد (صلی الله علیه و آله).

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

۱. یک، تلاش کن گناه به ذهنت خطور نکند. خوشا بحال کسانی که این‌طور هستند. ما افتخاری که روی آن چهاره‌نفر می‌گذاریم چه است؟

می‌گوییم چهارده معصوم، معصوم یعنی چه؟

یعنی گناه به ذهن خطور نمی‌کند. خیلی هم راحت است، خیلی راحت است، فقط من باید زاویه دیدم عوض بشود. چند بار بالا پشت بام خانه‌تان رفتی؟

صدها بار (رفته‌ای). حالا که خانه‌ها هم آپارتمانی شده‌است، پانزده طبقه. ما اولین شبی که وارد شدیم، یک جایی دعوت بودیم، طبقه هفدهم بود. خودش هم بالا بود، رفتیم، دیدیم همه شهر تهران زیر پای ما است. من بالا پشت بام رفتم، صد بار، هزار بار، یک بار به ذهنم خطور نکرده‌است کله‌ملق بزنم، پایین بیایم. اگر هم کسی به من بگوید، می‌گویم این حرف‌ها چه است، خفه شو، ساکت. روزی پنج بار دستشویی می‌رویم، هیچ موقع در دستشویی هوس نمی‌کنیم برداریم بگوییم مثلاً «اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ...».

یک نفر آن تو گفته بود، گفته بود «اللَّهُمَّ لَكَ صُمْتُ».

گفت:

نیک وردی بر زبان آورده‌ای

لیک سوراخ دعا گم کرده‌ای

برای امام معصوم این مثل، خیلی هنوز پایین است. یعنی امام معصوم می‌بیند غیبت یعنی گوشت مردار برادر مومن را خوردن. امام معصوم می‌بیند «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا»، آیه قرآن است. کسی که دارد مال یتیم می‌خورد، دارد آتش در شکمش می‌کند، این را می‌بیند. این که فرمود زنا عرش الهی را می‌لرزاند، این را می‌بیند، نمی‌کند. فقط کافی است زاویه دید ما نسبت به گناه عوض بشود، والله بسیاری از گناهان به ذهن شما خطور نمی‌کند. پس یک، به ذهن خطور نکند.

۲. دو، اگر به ذهن نَعُوذُ بِاللَّهِ خطور کرد که ما فردا برویم با این دختر همسایه یک نیم‌ساعتی یک پیتزا بخوریم، این خطور در ذهن نماند، زود از ذهنم ردش کنم. یک «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ»، (بگویم) و در ذهن نماند.

۳. سوم، اگر آمد و در ذهن ایستاد، به واقعیت تبدیل نشود، به عمل خارجی تبدیل نشود.

۴. چهارم، اگر به عمل خارجی نَعُوذُ بِاللَّهِ کشید، تکرار نشود. گفت اگر هوس است، یک بار بس است.

۵. پنجم، تکرار شد، عادت نشود. داریم در نسل نوجوان خودارضایی داریم شدید، کنارش بگذار، بدبخت می‌شوی. زن هم بگیری بدبختی هنوز چون عادت کردی. برو خدمت والدین بنشین، بگو من زن می‌خواهم،

خلاص.

خدا رحمت کند استاد ما علامه طهرانی را، آقازاده ایشان می گفتند: «بالا رفتم، در اتاقی که ایشان مشغول نوشتن بود، ایستادم دم در. ایشان سرشان را بلند کردند، فرمودند کاری داری؟، بفرمایید. گفتم که آقاجان زن می خواهم، به گناه می افتم».

همه مراجع نوشتند، دختر، پسر به گناه می افتد، واجب است ازدواج کند. بابایش نمی گیرد، خودش بگیرد. مادرش خواستگاری نمی رود، خودش برود. هیچ گونه، مرجع این جا نگفته است، تو وایسا، بابایت رفت، بعدش، مادرت رفت، بعدش، تو گناه نباید بکنی.

(پسر علامه طهرانی) گفت: «خدمت آقا ایستادم، آقا فرمودند بفرمایید. گفتم آقاجان زن می خواهم. گفتند بله، بله، چشم، ان شاء الله برایتان می گیریم».

ایشان می گفتند که من همان طوری ایستادم. دومرتبه نگاه کردند، گفتند: «آقا بفرمایید».

گفتم: «آقاجان گفتم زن می خواهم».

(علامه طهرانی) فرمودند که فلانی برای امشب وصال نمی دهد، چشم. درست شد، چشم ولی برای امشب وصال نمی دهد.

در این مسئله جوان ما نباید رودربایستی داشته باشد. من سه تا پسر دارم، به همه شان گفتم، یکی از آنها نشسته است، می تواند شهادت دهد.

گفتم: «لحظه ای که احساس کردید نیاز دارید و به گناه می افتید، به من بگویید، نامردم اگر برایتان زن نگیرم». جفتشان را نوزده سالگی زن دادم، این سومی را هفده سالگی ان شاء الله تابستان (زن می دهم)، برویم دنبال دختر خوب بگردیم، خلاص، چرا؟

دین من ضربه بخورد. ده سال من گناه کنم که حالا بابایم می خواهد من دکتر بشوم، گور پدر مدرک دکتری. هشت سال این دختر به گناه بیفتد که می خواهد فوق لیسانس بگیرد، می خواهم نگیرد. دین خدا شوخی ندارد.

پس اگر خدای نکرده تکرار شد، عادت نشود. به نظرم جوان ها خیلی خوششان آمد. شب اول گفته بودیم، به نظرم مخاطبینمان چند برابر می شد. نه، آخرش را شوخی کردم که بخندید، واقع دارم می گویم، پدر و مادرها خیانت نکنند، جنایت نکنند، با توهمات زندگی نکنند.

بابا، من روایت نمی خوانم، داستان نمی گویم، آیه قرآن می خوانم، آیه قرآن این است:

«وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ»، بی همسرانتان را همسر بدهید. «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»، اگر فقیرند خدا می گوید من بی نیازشان می کنم.

از پدر و مادرتان پرسید، شما ازدواج کردید، ماشین داشتید؟ می گویند نه، الاغ هم نداشتیم.

خانه داشتید؟

(در پاسخ می گویند) مستأجر هم به زور بودیم.

چه شد، نوبت پدر و مادرها که بود نه خانه می خواست، نه ماشین می خواست، نه مدرک می خواست. به نسل جدید اینترنت و ماهواره و چت جی پی تی که افتاده است، حالا همه این ها را می خواهند. این معلوم است ما داریم تشخیص اشتباه می دهیم.

خب، اگر خدای ناکرده عادت شد، نوجوان ها خوب گوش کنند. پس به ذهن نیاید، در ذهن آمد نایستد، به عمل خارجی نکشد، به عمل کشید، تکرار نشود، تکرار شد، عادت نشود.

۶. حالا اگر یک بدبخت بیچاره ای یک عمل برای او عادت شد، علنی نشود. این جور نباشد قبحش بریزد، علنی بشود.

پس، ششم، علنی نشود.

۷. هفتم، علنی شد، تبلیغ نشود، دیگران بدان دعوت نشوند. من کانال نگذارم، آن جا عکس بد بگذارم. من عکس برهنه خودم را، من دختر خانم، استوری نکنم، همه عالم و آدم ببینند.

۸. هشتم، اگر این ها انجام شد به او افتخار نشود. چه قدر روایت داریم اگر کسی گناه که می کند، سرشکسته

باشد، خدا می‌آمرزد. اگر گناه که می‌کند، افتخار کند، خدا نمی‌آمرزد.

۹. نهم، خدای نکرده اگر بدو افتخار شد، بدعتی برای دیگران نشود.

پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «مَنْ سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا». من اگر هر بدعتی را پایه‌گذاری کردم، هر کار بدی را من پایه‌گذاری کردم، هر کس به او عمل کند، برای من گناه می‌نویسند.

شب قدر و حقیقت لیلۃ‌القدر فاطمه‌الزهری (سلام الله علیها) است. گرچه از بی‌بی زیاد خوانده شده است اما تهران رسم این است که جلسه آخر را از بی‌بی می‌خوانند، در مشهد از امام رضا (علیه‌السلام) می‌خوانند، در تهران از قدیم از بی‌بی دو عالم می‌خوانند. حقیقت شب قدر فاطمه (سلام الله علیها) است. من این جا وجه مشابهت فاطمه (سلام الله علیها) با شب قدر را دوازده مورد نوشتم، نمی‌خواهم بگویم. یکی اش را پارسال گفتم، یکی دوتا از آن را هم امسال بگویم. پارسال گفتم یکی از وجوه مشابهت فاطمه (سلام الله علیها) با شب قدر این است که فاطمه (سلام الله علیها) عمرش کوتاه بود، شب قدر هم کوتاه است، یک شب بیشتر در سال نیست. یکی از وجوه مشابهتش این است هر دو مورد تاکید احترام قرار گرفت اما متأسفانه حرمت هر دو شکسته شد. سر امیرالمومنین (علیه‌السلام) را در شب قدر شکستند. یکی از وجوه ارتباط این است که در شب قدر فرشتگان بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل می‌شوند. بعد از ارتحال پیغمبر (صلی الله علیه و آله) جبرائیل بر فاطمه (سلام الله علیها) نازل می‌شود، با جناب فاطمه (سلام الله علیها) گفتگو می‌کرد. یکی از شاید سخت‌ترین وجوه مشابهت این خواهد بود که خیلی‌ها بدجور حرمت شب قدر را می‌شکنند، خیلی‌ها هم بدجور فاطمه (سلام الله علیها) را کتک زدند. خب، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ دلت هم آماده است، فیض هم آماده است، دو، سه کلمه زبان حال امیرالمومنین (علیه‌السلام) را با فاطمه (سلام الله علیها) می‌خوانم.

من ندیدم که شبی پلک به هم بگذاری
بگیری دامن حقیقت شب قدر را.

هر شب از شدت درد کم‌تر بیداری
خسته‌ای، بی‌رمقی، سوخته‌ای، بیماری
محض آرامش من، بستر خود برداری

من ندیدم که شبی پلک به هم بگذاری
استراحت کن عزیزم به خدا می‌دانم
جان من، سعی نکن با کمر تاشده‌ات

سرفه‌هایت به خدا قاتل جانم شده است
خدا برای یک مرد باغیرت نیاورد.

بس که خونابه در این سینه زخمی داری
زینب را به چه کس بعد خودت بسپاری
تو نباشی چه کسی می‌دهم دل‌داری؟

سرفه‌هایت به خدا قاتل جانم شده است
سعی کن خوب شوی، ای همه‌درایی من
مونس خستگی حیدر خیبرشکنی

روضه‌خوانی بلدی، از زبان امیرالمومنین (علیه‌السلام) بخوان.

ای بودونبود علی، ای یاس کبود علی
میمیرم اگر بروی، می‌مانم اگر نروی

میمیرم اگر بروی، می‌مانم اگر نروی
میمیرم اگر بروی، می‌مانم اگر نروی

شب سوم و یک فاطمه کوچکی هم یاد کنیم که در خرابه سر بابا را جلوش گذاشتند. من یک زبان حالش را بگویم، فیض آماده است، همه‌تان شنیدید.
گفت:

بابا دست عدو بزرگ‌تر از صورت من است، یک ضربه زد تمام رحم را کبود کرد.
از زبان رقیه (سلام الله علیها) بگو، حسین جان...